

شرق

۴۰ شهروند ایرانی زندانی در زندان‌های عراق با تلاش سفارت ایران در بغداد آزاد شده و از مرز سلیمانج وارد کشور شدند.

عکس: محمد آهنگر، فارس



زندگی دیگران- بخش اول

تغییر رنگ اجتماعی

نزدیک اسلو در نروژ به گلوله بست و کشتار کرد، تا دویدین‌های که خودکشی گروهی به راه انداختند، تا طالبان و داعشی‌هایی که بدون توجه به قربانیان چینی در عملیات کور انفجاری و تروریستی فقط به کشتار در راه هدف توهمی خود می‌اندايشند، تا بودایی‌هایی که در برمه مرتکب سوزاندن و قتل عام مسلمانان روهینگیا شدند و به طور کلی در همه جوامع بشری دیده می‌شود. به عبارت دیگر این دوگانگی فرهنگی که در میان خود نیز سایه‌های متعددی دارد، امری داخلی است که در هر جامعه‌ای مسیحی یا اسلامی و بودایی نیز در میان جمعیت وجود دارد. هائیتیکتون زنده مانند تا در دوران تاریک ترامپ شاهد تجلی و قدرت‌گرفتن این دوگانگی در داخل آمریکا باشد که نژادپرستی و تبعیض به همه سوابق ننگین رنگی میهن‌پرستانه و سیاسی داد. بخشی از جامعه دارای فرهنگ سطحی تکواره که خودشناسی را مسیحیان معتقد می‌دانستند، با ظاهر خشونت‌آمیز و لباس‌های چرمینه سیاه سوار بر موتورهای قوی گاه خود را به جمعیت معترض می‌گویندند و هنگامی که در انتخابات اکثریت خود را در سایه دموکراسی در نظام فدرال و آرای مردم نگران از دست دادند، با تمرد از قبول نتایج آرا با خشونت به پارلمان حمله کردند. غرض از این مقدمه رسیدن به مصر بود و اینکه این دوگانگی فرهنگی در مصر هم در آستانه قدم‌گذاری به مرحله بلوغ دموکراتیک وجود دارد (که در دو یادداشت به آن می‌پردازیم). در واقع اگر دموکراسی در جوامع بدوی هم امکان‌پذیر می‌بود، در مصر نیز همچون اندونزی که پیش‌تر به آن اشاره شد (یکشنبه ۱۵ فروردین، شکست پیشرفت از فساد)، حکومت در جامعه نارس در گزینش دموکراتیک یکبارمصرف، در اختیار اکثریت بدوی و تکواکسی فرهنگی قرار می‌گرفت! مصر نمونه جالبی است. کشوری در تلاقی آسیا و آفریقا و اروپا و بهره‌مند از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشر و نیز از نخستین کشورهای منطقه که با تمدن اروپایی نیز پیش از دیگران آشنایی و ارتباط داشته و حتی در سبک معماری باشکوه مدرن شهرهای قاهره و اسکندریه بازتاب داشته است. مصر از قرتی پیش دارای دانشگاه‌های معتبر و نظام اداری و بوروکراتیک مدرن و ظواهر زندگی اروپایی همراه با طعم و اصالت محلی بوده است. در گزارشی عکس‌های دسته‌جمعی استادان و دانشجویان دانشگاه قاهره از طی صد سال گذشته در کنار هم قرار داده بودند. با مقایسه این عکس‌ها که تازه تعلق به جماعتی از بالاترین سطوح فرهنگی جامعه دارد، به‌خوبی تغییر رنگ اجتماعی جامعه مصر در طول زمان دیده می‌شود. از یک قرن تا ۵۰ سال پیش دانشجویان و استادان مرد و زن

www.sharghdaily.ir
یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۰
۲۸ شعبان ۱۴۴۲
۱۱ آوریل ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۷۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۳
اذان صبح فردا ۵:۰۸ • طلوع آفتاب ۶:۳۶
fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت 



فریدون مجلسی

ساموئل هانتینگتون، نویسنده کتاب مشهور برخورد تمدن‌ها، دانشمند دانشگاهی معتبری بود که بیشتر دوران اشتغال اداری‌اش را در نقش مشاور امور امنیتی دولت‌های جمهوری‌خواه آمریکا سپری کرده بود، یعنی دیدی کاملا دست راستی داشت. به همین دلیل کتاب او بیش از آنکه از تحلیلی دانشگاهی برخوردار باشد، واکنشی امنیتی و اداری از سوی یک مشاور امنیتی دست راستی تلقی می‌شود. هانتینگتون جهان را به حوزه‌های تمدنی بر پایه ادیان تقسیم می‌کند و اروپا و آمریکا و ایستگانشان را در حوزه تمدن مسیحی، چین را در حوزه کنفوسیوسی، هند را در حوزه هندو، اعراب و جهان اسلام را در حوزه تمدن اسلامی قرار می‌دهد. بنا بر تعریف او این حوزه‌های تمدنی با یکدیگر پیوسته در برخورد و تضاد قرار دارند و باید پیوسته مورد شک و نظر باشند. هانتینگتون در زمانی که چندین اقدام تروریستی از سوی گروه‌های اسلامی انجام شده بود، با دیدی تداق‌فشی- امنیتی، عقاید دست راستی خود را زیر عنوان نظریه مطرح کرد و مورد استقبال احزاب و گروه‌های دست راستی و فاشیستی نیز قرار گرفت که خودشان را تافته جدا بافته و برتر و سایر تمدن‌های مبتنی بر مذاهب دیگر را در جایگاه پایین‌تر تلقی می‌کردند. آماراتی سنن استاد برجسته اقتصاد دانشگاه‌های کمبریج و هاروارد، دانشمندی که به دلیل نظریه اقتصاد انسانی برنده جایزه نوبل شد، در کتاب «هویت و خشونت» به این نظریه ایراد می‌گیرد و معتقد است که خشونت زاییده شرایط رشد فرهنگی فرد است که ممکن است اجازه ندهد فرد دارای تکثر و عمق فرهنگی شود و به اصطلاح دارای فرهنگی ساده و تکواره باشد که مایه اصلی آن را اعتقادات مبتنی بر آموزه‌های اولیه تشکیل می‌دهد و دیگر هیچ. به عقیده آماراتی سن، تکثر هویتی به انسان دیدگاه فرهنگی گسترده‌تری شامل هنر، ادبیات، علوم و دانش بیشتر درباره طبیعت، محیط زیست و… می‌بخشد. سن معتقد است این تکواکری هویتی است که خشونت‌افزین است و ربطی به دین ندارد و در همه جوامع نوعی دوگانگی فرهنگی پدید می‌آورد. در این‌باره به همین مختصر اکتفا می‌شود. مصادیق آن در دیدگاه‌های پرمدعای چپ مانند گروه تروریستی بادر ماینهوف آلمان یا گروه ژاپنی مرتکب انتشار گاز سمی سارس در متروی توکیو، تا مسیحی متعصبی که نوجوانانی را در یک نیک در جزیره‌ای

با لباس‌های رسمی باب روزگار خودشان در آراسته‌ترین وضع دیده می‌شوند. به طوری که با عکس‌های مشابه در دانشگاه‌های کشورهای اروپایی تفاوت چندانی جز تفاوت‌های نژادی و چهره‌ها دیده نمی‌شود. از ۵۰ سال پیش تدریجا چهره‌های متفاوت تازه‌وارد‌های به محیط دانشگاهی دیده می‌شود که به‌سرعت رو به افزایش می‌رود. شاید چنان چهره‌هایی در گذشته هم بودند اما چون شمارشان اندک بود خود را ناچار می‌دیدند که هم‌رنگ جماعت مبادی آداب اجتماعی دانشگاهی شوند. اما وقتی تعدادشان بیشتر می‌شود با دلگرمی بیشتر الزامی به هم‌رنگی با جماعت نمی‌بینند. فرزندان فلاچین با همان ظواهر و سر و وضع ساده عشایری هر سال افزایش می‌یابند. خصوصا زنان خودشان را بیشتر ملزّم به رعایت احکام می‌بینند. انقلاب افسران جوان خصوصا کارمزما و اعتبار عبدالناصر همراه با پوپولیسمی که ملی‌کردن کانال سوئز و جنگ اسرائیل بر آن افزود، ضمن اینکه به اکثر فلاچین و روستاییان مصری دیدگاهی سیاسی بخشید و ناسیونالیسم عربی را ترویج کرد، زمینه را برای مطالبات سیاسی این اکثریت تا آن زمان خاموش فراهم کرد؛ اکثریتی که اکنون شهرها را نیز به اشغال خود درمی‌آوردند. فرهنگ تکواره این اکثریت چنان‌که در آغاز گفته شد، صرفا مبتنی بر آگاهی‌های مذهبی بود که از کودکی توسط مادر و پدر و سپس ملایان روستا به آنان آموخته شده بود. در واقع مطالبات سطوح بالاتر ایان در گذشته دورتر در قالب جمعیت اخوان‌المسلمین شکل گرفته بود. جالب اینکه انور السادات، نظامی جوانی که افسران آزاد کودتاجی و دایره عبدالناصر پیوست و پس از او رئیس‌جمهور مصر شد، در آغاز کار از اعضای همین اخوان‌المسلمین بود که خواهان جایگزینی احکام شرعی به جای قوانین قضائی و اداری مصر بودند. اما ناسیونالیسم عبدالناصر با جدایت پوپولیستی خود مانند جنبش‌های ام مشابه به طبقات فرودست غور و اغلب ر بخشیده و آنان را جذب خود کرد بود. به همین دلیل در دوران عبدالناصر و انور السادات آن عقاید مبتنی بر تکواکری عقیدتی و خشونت‌های ناشی از آن تا حدی در سایه قرار گرفت. اما هنگامی که سادات به پیروزی نسبی بر اسرائیل و استرداد شبه‌جزیره سینا نیز دست یافته بود و کوشید برای تقویت بنیه اقتصادی کشور از جنگ فرمایشی دست بردارد و به صلح با اسرائیل تن داد، هنگام مسان‌دیدن از یک رژه نظامی، توسط گروهی از نظامیان متعلق به همان اندیشه‌های مذهبی که اکنون در صفوف ارتش رخنه کرده بودند گلوله‌باران و کشته شد.

بخش دوم این یادداشت را در شماره فردا بخوانید.

زمین سبز

در خواست اصلاح قانون به نفع محیط‌بان‌ها

اشاره‌ای داشته باشیم که اگر قوانین موجود به نفع ما محیط‌بانان اصلاح نشوند، بودجه اختصاصی برای یگان حفاظت محیط زیست لحاظ نشود، قانون به‌کارگیری سلاح اصلاح نشود، تعداد محیط‌بانان قوی جذب و استخدام و در مناطق به کار گرفته نشوند و تجهیزات مدرن در راستای حفاظت از عرصه‌های طبیعی به کار گرفته نشوند، به‌زودی شاهد درگیری‌های بیشتر و حتی شهادت محیط‌بانان دیگری خواهیم بود و بویایی طبیعت و سرزندگی حیات وحش زیبای در استان زنجان به نام فیله-خاصه کشته شدند.

اگر به سابقه تاریخی فرهنگی مرزوبوم خود نگاهی بیندازیم، نمی‌توانیم کتمان کنیم که جبرگرایی (دترمینیسم)، راهی برای پذیرش شکست‌ها، مسئولیت‌گریزی‌ها، فراموش‌کردن ناکامی‌ها به‌جای بررسی علل، چاره‌جویی برای آینده، تصحیح اشتباهات و نقد گذشته بوده است. در سال جدید در طول هم‌صحبتی با جوانان زیادی در گروه‌های علمی در شبکه‌های اجتماعی به پدیده شایع و نگران‌کننده‌ای برخوردیم که به نظر من یکی از علل مهم آن باید ناشی از سرخوردگی‌ها و شکست‌های اجتماعی در چند نسل گذشته باشد. واقعیت این است که علم در جامعه ما بیشتر به مفهومی به کار می‌رود که گویا جانشینی یا هم‌زاد یا برابرنهادی برای باورهای آیینی، کیشی و ایدئولوژیک ماست. متأسفانه جوانان ما نیز همچون نسل گذشته به نظریه‌های علمی به‌صورت قواینی از پیش‌تعیین‌شده و جبری نگاه می‌کنند و می‌خواهند به‌سرعت آن را به باوری عمومی تبدیل کنند تا در پناه آن جبر حاکم بر زندگی خود را توجیه کنند، اگر به ونکی‌پدیا مراجعه کنید، در توضیح جبرگرایی زیستی می‌خوانید که: «جبرگرایی زیست‌شناختی که به‌عنوان جبرگرایی ژنتیکی شناخته می‌شود، یک باور است که بر اساس آن، رفتار انسان توسط ژن‌های یک فرد یا بخشی از اجزای فیزیولوژی آنها کنترل می‌شود». اینجا به واژه «باور» دقت کنید که ریشه نگرانی مرا نسبت به مفهوم علم در جامعه ایدئولوژیک نشان می‌دهد که حتی می‌تواند به علم، خصوصیتی غیرعلمی و حتی ضدعلمی دهد و آن را به‌صورت باوری جبرگرا تحویل علوم دهد و به غلط جایگزینی برای باوری ایدئولوژیک تلقی شود. بدیهی است که سرخوردگی از باور و ایمان مذهبی نباید موجب باور به جبر زیستی ژنتیکی-تکاملی (فرگشتی) شود. متأسفانه در سه، چهار دهه گذشته در کشور ما نظریه‌های اشخاصی همچون «ریچارد داوکینز» با ترجمه و انتشار کتاب‌های او محبوبیت



عبدالرحمن نجل رحیم

مغزپژوه

زیادی پیدا کرد. ناگفته نماند که کتاب‌های «داوکینز» به علت باورسازی با تکیه بر برداشتی از نظریه تکاملی ژنتیکی توجه را در تمامی جهان به خود جلب کرده و به‌صورت آلترناتیو یا جایگزینی برای دین‌باوری به معرفی علم پرداخته، تا حدی که به مفهوم بویایی علم واقعی لطمه وارد می‌کند؛ زیرا در این فرایند، علم به ضد خود تبدیل می‌شود. نگاهی به فهرست نظریه‌پردازان بنامی که توجهی در میان دانشجویان جوان کشورمان جلب نکرده‌اند، مؤید نظری است که ابراز می‌کنم. برای مثال، «استیون جی. گولد»، زیست‌شناس تکاملی (فرگشتی)، یکی از منتقدان «داوکینز» است که نظریه جبرگرایانه او را رد می‌کند ولی از مجموعه ۳۰ کتاب او هیچ‌کدام از آنها به فارسی ترجمه نشده است. «ریچاد لیونتن»، زیست‌شناس تکاملی (فرگشتی) معروف دیگر و استاد دانشگاه هاروارد، منتقد جبرگرایی زیستی و ژنتیکی است. ولی باز هم بیش از ۱۲ اثر او به فارسی ترجمه نمی‌شود (ما بارها در سمینارهای عصب‌پژوهی نظریات او را بازگو کرده‌ایم). «استیون رز»، زیست‌شناس ایدئولوژیک ماست. متأسفانه جوانان ما نیز همچون نسل گذشته به نظریه‌های علمی به‌صورت قواینی از پیش‌تعیین‌شده و جبری نگاه می‌کنند و می‌خواهند به‌سرعت آن را به باوری عمومی تبدیل کنند تا در پناه آن جبر حاکم بر زندگی خود را توجیه کنند، اگر به ونکی‌پدیا مراجعه کنید، در توضیح جبرگرایی زیستی می‌خوانید که: «جبرگرایی زیست‌شناختی که به‌عنوان جبرگرایی ژنتیکی شناخته می‌شود، یک باور است که بر اساس آن، رفتار انسان توسط ژن‌های یک فرد یا بخشی از اجزای فیزیولوژی آنها کنترل می‌شود». اینجا به واژه «باور» دقت کنید که ریشه نگرانی مرا نسبت به مفهوم علم در جامعه ایدئولوژیک نشان می‌دهد که حتی می‌تواند به علم، خصوصیتی غیرعلمی و حتی ضدعلمی دهد و آن را به‌صورت باوری جبرگرا تحویل علوم دهد و به غلط جایگزینی برای باوری ایدئولوژیک تلقی شود. بدیهی است که سرخوردگی از باور و ایمان مذهبی نباید موجب باور به جبر زیستی ژنتیکی-تکاملی (فرگشتی) شود. متأسفانه در سه، چهار دهه گذشته در کشور ما نظریه‌های اشخاصی همچون «ریچارد داوکینز» با ترجمه و انتشار کتاب‌های او محبوبیت

افزایش یافته و به‌عنوان جایگزینی برای باورهای قبلی خود ناداریم. این جای تأسف دارد که هنوز جایگاه علم را در نحوه سروسامان‌دادن به آینده خود نمی‌دانیم ولی متأسفانه آسان‌تر به نظر می‌رسد تا آن را به باور یا ایدئولوژی جایگزینی برای راهی‌ای از بار مسئولیت فردی و اجتماعی خود تبدیل کنیم.

چهارم ویروس جهش‌یافته انگلیسی بیشتر مشاهده شده که هم سرعت انتقال بالاتری دارد و هم اینکه قدرت کشندگی قابل توجهی، حرف‌های خانم محرز درباره وضعیت موج چهارم کرونا در ایران اما بسیار نگران‌کننده است. ایشان می‌گویند: «تمام بیمارستان‌ها پر شده و درحال‌حاضر جا برای بستری وجود ندارد.

مردم باید به فکر جان خودشان باشند، یک نفر از خانواده قسر درنمی‌رود. چراهای جز قرنطینه نداریم و نباید به رنگ‌بندی شهرها دل خوش کرد، چراکه وضعیت آبی به‌سرعت سیاه می‌شود.» خانم محرز همچنین از چندصدایی در عرصه حاکمیتی در کنترل کرونا انتقاد کردند و گفتند که باید در مجموعه حاکمیتی یک‌صدایی برای مبارزه با این بیماری و همه‌گیری ایجاد شود وگرنه مردم سردرگم و گمراه می‌شوند. ایشان همچنین به پدیده‌ای به اسم «اینفودمی» در فضای مجازی اشاره کردند که بیماران اطلاعات درباره بیماری است که بسیاری از آنها راستی‌آزمایی نشده و ممکن

«جانست یلن» وزیر خزانه‌داری ایالات متحده معتقد است ۱.۹ تریلیون دلار باید صرف بهبود وضعیت زنان در زیرساخت‌های انسانی اقتصاد آمریکا شود. او معتقد است این مشکلات ساختاری چهار دهه است در ایالات متحده دامن اقتصاد را گرفته و حالا وقت آن است تا آنها را برطرف کنند. همین سیاست‌ها پس از روی کار آمدن زنان در مناصب اقتصادی و تجاری مهم در دنیا موجب شده تا امیدواری برای ایجاد تغییر و ساخت چشم‌اندازی تازه برای سیاست‌های اقتصادی از سوی این زنان ایجاد شود.

البته این نخستین‌باری نیست که زنان در عرصه قدرت حاضر می‌شوند. در طول نیم‌قرن گذشته ۵۷ رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر زن در کشورهای مختلف دنیا به قدرت رسیده بودند اما نهادهایی که تصمیم‌های اقتصادی مهم دنیا را می‌گرفتند، تا همین چند ماه پیش اغلب توسط مردان اداره می‌شدند. در خارج از آمریکا هم پیش‌تر کریستین لاکارد هدایت بانک مرکزی اروپا با تراز مالی ۲.۴ تریلیون دلار را بر عهده گرفته و از سال ۲۰۱۹ هم کریستالینا جیورجیوا ریاست صندوق بین‌المللی پول را بر عهده دارد. همه این مشاغل تا یک دهه پیش کاملا در اختیار مردان بود. طبق آمارها درحال‌حاضر زنان وزارت

مغز اجتماعی-۱۵۷

توجیه جبرگرایی در پناه علم

نیست. فیزیک نیوتنی شاید جهانی جبری را تصور کند ولی در علم عصب‌پژوهی جدید که زمان حال، آبتن آینده از پیش تعیین‌شده‌ای است، نمی‌تواند برنامه‌های از پیش معلوم در درون سر ما داشته باشد. انسان موجود تراژیکی است، چون می‌تواند نیستی خود را تصور کند. بنابراین قوانین فیزیکی نمی‌تواند جایگزین تاریخ و دوران زندگی فردی و تجربیات بدن‌مند شود یا درباره آنها توضیحات کافی بدهد. اگر خود را در حیطه تجربه‌های ناگاکه و آگاهانه خود، میرا -آن‌چنان که هستیم- بدانیم، آینده کاملا باز و غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود و در این میان ما نباید گزینشی بودن خود را از نظر زیست‌شناسی انکار کنیم؛ زیرا این خصیصه زمینه مشترکی برای تصمیمات اخلاقی آینده ما انسان‌ها فراهم می‌کند، ما به علت شرایط زیست‌شناختی خود هیچ‌وقت نمی‌توانیم به مطلق بیرون از خود دست پیدا کنیم. شعور و آگاهی ما هم گزینشی است. بدن‌مندی محدودیت ایجاد می‌کند ولی معنا از این بدن‌مندی برمی‌خیزد و ما هرکدام تاریخی یگانه داریم و نقطه رجاع اولیه ما موجودیت زیستی ما و مشترکاتی است که از طریق تجربه کیفی (کوالیای) خود به دست می‌آوریم که به‌طور نسبی دسترسی به واقعیت را برای ما ممکن می‌کند». این برداشت از نوشته‌های «ادلمن» را ۲۰ سال پیش در سمینار عصب‌پژوهی در بیمارستان شهدای تجریش تهران مطرح کرده‌ام ولی انعکاس گسترده‌ای در شرایط اجتماعی ایران پیدا نکرد و بعد دو کتاب او در ایران ترجمه شد ولی هنوز نیز برای خیلی از جوان‌ها امکانات پذیرش این تحول نگرش در زیست‌شناسی فراهم نشده است. منظورم از اظهار همه این حوادث این است که بگویم گویا به علت شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و حوادثی که در حداقل نیم‌قرن گذشته بر سر ما در این مرزوبوم آمده، آمادگی پذیرش سخن دیگر جز جبرگرایی زیستی و ژنتیکی، آن‌هم به‌عنوان جایگزینی برای باورهای قبلی خود نداریم. این جای تأسف دارد که هنوز جایگاه علم را در نحوه سروسامان‌دادن به آینده خود نمی‌دانیم ولی متأسفانه آسان‌تر به نظر می‌رسد تا آن را به باور یا ایدئولوژی جایگزینی برای راهی‌ای از بار مسئولیت فردی و اجتماعی خود تبدیل کنیم.

چهارم ویروس جهش‌یافته انگلیسی بیشتر مشاهده شده که هم سرعت انتقال بالاتری دارد و هم اینکه قدرت کشندگی قابل توجهی، حرف‌های خانم محرز درباره وضعیت موج چهارم کرونا در ایران اما بسیار نگران‌کننده است. ایشان می‌گویند: «تمام بیمارستان‌ها پر شده و درحال‌حاضر جا برای بستری وجود ندارد.

مردم باید به فکر جان خودشان باشند، یک نفر از خانواده قسر درنمی‌رود. چراهای جز قرنطینه نداریم و نباید به رنگ‌بندی شهرها دل خوش کرد، چراکه وضعیت آبی به‌سرعت سیاه می‌شود.» خانم محرز همچنین از چندصدایی در عرصه حاکمیتی در کنترل کرونا انتقاد کردند و گفتند که باید در مجموعه حاکمیتی یک‌صدایی برای مبارزه با این بیماری و همه‌گیری ایجاد شود وگرنه مردم سردرگم و گمراه می‌شوند. ایشان همچنین به پدیده‌ای به اسم «اینفودمی» در فضای مجازی اشاره کردند که بیماران اطلاعات درباره بیماری است که بسیاری از آنها راستی‌آزمایی نشده و ممکن

«جانست یلن» وزیر خزانه‌داری ایالات متحده معتقد است ۱.۹ تریلیون دلار باید صرف بهبود وضعیت زنان در زیرساخت‌های انسانی اقتصاد آمریکا شود. او معتقد است این مشکلات ساختاری چهار دهه است در ایالات متحده دامن اقتصاد را گرفته و حالا وقت آن است تا آنها را برطرف کنند. همین سیاست‌ها پس از روی کار آمدن زنان در مناصب اقتصادی و تجاری مهم در دنیا موجب شده تا امیدواری برای ایجاد تغییر و ساخت چشم‌اندازی تازه برای سیاست‌های اقتصادی از سوی این زنان ایجاد شود.

البته این نخستین‌باری نیست که زنان در عرصه قدرت حاضر می‌شوند. در طول نیم‌قرن گذشته ۵۷ رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر زن در کشورهای مختلف دنیا به قدرت رسیده بودند اما نهادهایی که تصمیم‌های اقتصادی مهم دنیا را می‌گرفتند، تا همین چند ماه پیش اغلب توسط مردان اداره می‌شدند. در خارج از آمریکا هم پیش‌تر کریستین لاکارد هدایت بانک مرکزی اروپا با تراز مالی ۲.۴ تریلیون دلار را بر عهده گرفته و از سال ۲۰۱۹ هم کریستالینا جیورجیوا ریاست صندوق بین‌المللی پول را بر عهده دارد. همه این مشاغل تا یک دهه پیش کاملا در اختیار مردان بود. طبق آمارها درحال‌حاضر زنان وزارت

زنان

و اکنون چهره زنانه اقتصاد جهانی

اقتصاد ۱۶ کشور جهان را بر عهده دارند و در ۱۴ بانک جهانی هم صندلی مدیریتی را بر عهده گرفته‌اند. اگرچه زمان کمی برای قضاوت درباره مدیریت زنان وجود دارد ولی تاکنون تأثیر حضور زنان در عرصه اقتصاد مثبت بوده است. پیش از گزارش‌هایی هم درباره مدیریت موفق زنان در مبارزه با کووید۱۹ در سراسر دنیا منتشر شده بود. اکنون گزارش‌هایی درباره موفقیت سازمان‌های اقتصادی‌ای که زنان آنها را هدایت می‌کنند، منتشر شده است. تحقیقات صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد اگرچه زنان کمتر از دو درصد اعضای هیئت‌مدیره و همچنین کمتر از ۲۰ درصد مدیرعامل‌های مؤسسات مالی را در آمریکا تشکیل می‌دهند ولی سازمان‌های تحت هدایت آنها از مقاومت و ثبات مالی بیشتری برخوردار است.

بحران جهانی رکود ناشی از پاندمی کرونا در دنیا موجب شده تا زنان بیشتر از مردان در محیط‌های کاری آسیب ببینند و بخش زیادی از زنان کارشان را از دست بدهند. برای همین حضور زنانی قدرتمند در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی موجب شده تا بسیاری امیدوار باشند با تغییر سیاست‌ها حمایت‌های قابل توجهی از این زنان در جهت بهبود شرایط کاری و اقتصادی هم صورت بگیرد.